



داله نقد

کتاب «کارخانه اسلحه‌سازی داوود

داله»، زمانی است برای

نوجوانان که توسط

محمد رضا شرفی خوشان،

شاعر و نویسنده ۴۳ ساله به رشته

تحریر درآمد. وی در این کتاب به

سرگذشت پسری می‌پردازد که تمام فکر و

ذکرش در شبانه‌روز ساخت یک تیرکمان سنگی

شده و تنها مانع سر راهش برای ساختن این تیرکمان، پیدا کردن کش

مناسب است و همین چالش باعث رقم خوردن باقی ماجراهای قصه می‌شود.

از آثار دیگر این نویسنده می‌توان به بی‌کتابی، عاشقی به سبک و نگوگ، یحیی و یاکریم و موه‌ای تو خانه ماهی‌هاست اشاره کرد.

داله‌ای که من پیدا کردم

این داله [بخش چوبی تیرکمان سنگی] را وقتی پیدا کردم که صفحه صد و هجدهم سرگذشت داله‌های جناب خوشان به پایان رسید. زبان روایت مثل داله‌های طلایی منحصربه‌فرد بود اما خط مفهومی روایت داغی بر دل مخاطبین برجای گذاشت و مانند همان کش گمشده تیرکمان داوود، وضعیتی پرتلاطم داشت.

زبان به نرمی پیش می‌رفت و حروف و کلمات به زیبایی و روانی به هم بافته می‌شدند و به قول خودمان عصا قورت داده نبودند اما همین حسن در بعضی مواقع اثر می‌داد و زمام زبان از دست مؤلف خارج می‌شد. به گونه‌ای که برخی از موضوعات طرح شده مثل تشریح پاراگرافی داله‌ها، اصلا در خدمت داستان نبود و صرفاً تخت‌گازی بود از سوی قلم، بی‌آن‌که اثری در شکل‌گیری روایت داشته باشد. در فصل‌های اصلی نیز با همین مشکل مواجه می‌شدیم؛ برای مثال اول فصل به شرح یکی از چوب‌های تیرکمان می‌پرداخت و آخر کار آن قدر قلم پیش روی می‌کرد و زمین و زمان را به هم می‌دوخت که دیگر یادت نمی‌آمد سخن برای چه شروع شده بود؟! همین باعث می‌شد که در ذهن من مخاطب خط اصلی قصه قرص و محکم شکل نگیرد و نخ تسبیح روایت، دانه‌ها را منظم کنار هم نچیند. شاید بگویند این از ویژگی‌های روایت غیرخطی است که قصه به جای این‌که مانند قطار در یک ریل مستقیم حرکت کند، مثل قطعات پازل پراکنده می‌شود و مخاطب باید دوباره پازل را کامل کند؛ اما کارخانه اسلحه‌سازی جناب خوشان این‌گونه نیست. قصه مثل قطعات پازل پراکنده می‌شود، ولی هنگامی که مخاطب قطعات را کنار هم می‌گذارد، به علت نامتوازن بودن تکه‌ها تصویر شکل نمی‌گیرد و طبیعتاً چراغی که باید در ذهن خواننده روشن شود، نمی‌شود!

خب که چی؟!

نقص بعدی که این قلم‌فرسایی و تشکیل‌نشدن پازل کلی روایت ایجاد می‌کرد، پیام داستان بود؛ پس از گذشت چند روز از مطالعه این کتاب، هم‌اکنون که این خطی خطی را مشاهده می‌فرمایید برای شخص بنده مشهود نیست که مؤلف پس از کلی زیرورو کردن زندگی داوود داله در پی چه چیزی بود؟ مذموم بودن قدرت‌طلبی با پیوست شدن جنایات آمریکا؟ عقده‌های گذشته رقم‌زننده تباهی‌های آینده؟ پند و اندرز به کودک و نوجوان دیوارنورد؟ دنیا دار مکافات؟ یا ... که البته حدس‌هایی می‌شود زد که گزینه اول به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

برای نوجوان؟

جان‌بخشی و روایت‌سازی از اشیای بی‌جان، خلاقانه است و ایول!... دارد اما برای طیف کتابخوان آن هم از نوع کتاب‌خوارش. نه برای نوجوان دهه هشتادی که اوج جذابیت این روزهای زندگی‌اش به هم زدن حاج خانم فلان بلاگر ترکیه‌نشین و وصالش با بهمان خواننده مهاجر است و آخرین ورقی که دستش لمس کرده، ورق امتحان پایان ترم خرداد است که تازه آن هم سرنوشتی بهتر از مواجهه با فندک توی جیبش ندارد. بر فرض مثال که همین نوجوان را نشان‌دیم پای کتاب و تفنگ بر شقیقه وادارش کردیم بر تورق؛ به نظر شما چند درصدشان تا به امروز تیرکمان سنگی به دست گرفته‌اند؟ اصلاً ادراک ملموسی از رقابت بر سر قوی‌ترین داله محل دارند؟

این غرزدن‌های ما به سان غرزدن‌های بیکار خارج از گودی نیست که پاپ‌کورن به دست از بیرون میدان فریاد می‌زند لینگش کن و هربار به هر لینگ هزار ایراد می‌گیرد؛ بنده چاکر همه آت‌هایی هستم که در این وادی و انفسای فرهنگ و اقتصاد از بالا پایین زندگی‌شان می‌زنند و دغدغه فرهنگ جامعه و آن نوجوان دهه هشتادی مسمی به هیولا را دارند. ولی حیف این همه هزینه زمانی و مالی مؤلف و نشر و قلم‌روان است که این‌گونه به ثمر نرسند.

سراخ‌هم باید عارض این نکته شوم که این مرقومه نه از سوی یک مدعی علم بلکه از طرف یک دهه هشتادی کتاب‌دوست بود که بعد از سال‌ها سروکله زدن با هم‌سن‌وسال‌های خودش تصویر واضحی از احوالات‌شان دارد و هر آنچه که به رشته تحریر درآورد قابل تکمیل، تصحیح و حتی تکذیب است! □



سیدعلی مددزیدی

قفسه کتاب

کارخانه اسلحه‌سازی داوود داله»

محمد رضا شرفی خوشان و آثارش برویم

نرم آقای رمان نویس



م‌که همه بدون ترس از عواقبش، صادقانه خاطرات‌شان را از وقایع به اشتراک سمیر است. اما آن قدر روایت‌ها زیاد می‌شود که باید مواظب باشید نخ تسبیح رسیدن حزب بعث و صدام یزید کافر چه خون‌ها که در عراق ریخته نشد.

بی‌کتابی

«بی‌کتابی» معروف‌ترین اثر خوشان و برگزیده جایزه ادبی جلال آل احمد در دهمین دوره است.

داستان در زمان مشروطه روایت می‌شود و مربوط به کتاب است که دستمایه یک خیانت در امانت می‌شود و بخش عظیمی از گنجینه نسخ خطی و نفیس را باد فنا می‌دهد. همین وسط‌ها هم ماجرای به توپ بستن مجلس را روایت می‌کند. به طور کلی داستان درباره یک دلال کتاب است.

کارخانه اسلحه‌سازی داوود داله

یه کتاب، داستان تبعید امام خمینی (ره) در عراق و ترکیه و سختی‌هایی که بر ایشان تحمیل یزید بیان می‌شود.

ه اسلحه‌سازی داوود داله «آخرین اثر چاپ شده محمد رضا شرفی خوشان است که به عنوان جوان منتشر شده است. داستانی که شاید برای نوجوان یکی دو دهه قبل جذاب و سراسر باشد اما امروز و برای نوجوانی که روز و شب در گیر و دار کلاس مجازی است و به جای کوچه‌چه‌های محل در کوچه‌پس‌کوچه‌های شبکه‌های اجتماعی پرسه می‌زند، چندان ملموس نیست. خفی داستان مربوط به زمان دفاع مقدس است و زندگی که در زمان جنگ در شهرها و روستاها وارد و داوودی که دوست دارد مخوف‌ترین اسلحه کوچه را داشته باشد و سلطان کوچه شود.

جوایز

پرافتخارترین اثر خوشان را می‌توان «بی‌کتابی» دانست. کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و برگزیده جایزه ادبی جلال آل احمد و همچنین تقدیر شده در جایزه شهید حبیب غنی‌پور.

کتاب «عاشقی به سبک ون‌گوگ» او نامزد جایزه کتاب سال جلال آل احمد، نامزد جایزه قلم زرین و نامزد جایزه شهید غنی‌پور بوده و کتاب «موهای تو خانه ماهی‌هاست» خوشان به عنوان اثر برگزیده جشنواره داستان انقلاب در بخش رمان نوجوان، انتخاب شده است.

همچنین کتاب «نامت را بگذار وسط این شعر» او کتاب سال دفاع مقدس در بخش شعر و نامزد جایزه قلم زرین شده است.

شد ادبیات است و در انواع ادبی مختلف چاپ شده خوشان، نه رمان بزرگسال ب شعری است با نام «از واژه‌های تهی» که شد و در قالب غزل سروده شده است. باب شعر او مجموعه‌ای است به نام مت را بگذار وسط این شعر» که اشعار سپید خوشان را شامل می‌شود. البته کمتر کسی نویسنده. شاعر ما را با این کتاب‌ها و شعرش می‌شناسد. شهرت او بیشتر برای نثر و داستان‌هایش است.